

تأثیر تصدی حسابرس بر کیفیت سود در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرس و مدیر

مجتبی مطلبیان^۱، مهدی عربصالحی^{۲*}، هادی امیری^۳

^۱ دانش آموخته دکتری، گروه حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۲ دانشیار، گروه حسابداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (عهده‌دار مکاتبات)

^۳ استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: دی ۱۳۹۸، اصلاحیه: اسفند ۱۳۹۸، پذیرش: اردیبهشت ۱۳۹۹

چکیده

پژوهش‌های قبلی در خصوص نوع اثر گذاری دوره تصدی حسابرس بر کیفیت سود نتایج ضد و نقیضی به همراه داشته‌اند. بر اساس فرضیه استقلال، برخی محققان معتقد هستند افزایش تصدی حسابرس، کیفیت سود را کاهش می‌دهد. بر اساس فرضیه تخصص برخی دیگر از محققان افزایش دوره تصدی حسابرس را منجر به افزایش کیفیت سود می‌دانند. در این پژوهش برای بررسی این دو دیدگاه رقیب، از معیار عدم تقارن اطلاعاتی حسابرس و مدیر به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر استفاده شده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر تصدی حسابرس بر کیفیت سود در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرس و مدیر است. در این راستا از اطلاعات مالی ۱۰۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از الگوی رگرسیون به روش داده‌های پانل استفاده شد. نتایج پژوهش بیانگر این است که تصدی حسابرس بر کیفیت سود تأثیر مثبت دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که تصدی حسابرس در واحدهای تجاری که سطح بالاتری از عدم تقارن اطلاعاتی حسابرس-مدیر دارند منجر به افزایش بیشتر کیفیت سود می‌شود.

واژه‌های اصلی: تصدی حسابرس، عدم تقارن اطلاعاتی حسابرس-مدیر، کیفیت سود، کیفیت افلام تعهدی، کیفیت حسابرسی

۱- مقدمه

اقتصادی و محرک‌های سازمانی نیز تعیین‌کننده هستند. مطابق با نظریه نمایندگی و مباشرت روابط افراد بر اساس یکسری قراردادهایی است که افراد ملزم به اجرای آنها هستند. براساس فرض عدم همسویی منافع طرفین قرارداد (مالکان و مدیران) و فرض منطق اقتصادی انتظار می‌رود مدیران در راستای بهینه‌کردن منافع خود همواره به دنبال این باشند که در نبود استانداردهای مناسب یا انعطاف لازم در استانداردهای حسابداری کمال بهره‌برداری را داشته باشند و بدین صورت کیفیت سود را متاثر کنند. یکی از اقداماتی که می‌تواند انطباق عملیات حسابداری شرکت با استانداردهای حسابداری را تأیید کند و کیفیت گزارشگری را تضمین کند، حسابرسی با کیفیت است. سوالی که امروزه تبدیل به یک چالش ذهنی شده این است که چگونه با وجود ساز و کارهای نظارتی نظیر حسابرسی مستقل باز شاهد رسوایی مالی، سو جریانات، دستکاری و تحریف صورت‌های مالی هستیم. نهادهای قانون‌گذار از این پدیده به عنوان شکست حسابرسی یاد می‌کنند. تلقی عمومی این است که نبود استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی منجر به بروز چنین پدیده‌هایی شده است. از این رو در سال ۲۰۰۲ قانون ساربنز-آکسلی^۱ در آمریکا

رقم سود از مهمترین اطلاعات گزارش شده در صورت‌های مالی است و از جهات مختلف سودمند واقع می‌شود، سرمایه‌گذاران به سود به عنوان ابزاری برای پیش‌بینی اهمیت ویژه‌ای قائل می‌شوند [۷]. نتایج پژوهش‌های تجربی گواهِ این است که سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری‌های خود به رقم سود بیش از سایر اطلاعات ارایه شده درباره عملکرد شرکت (نظیر سود تقسیمی و جریانات نقدی) اتکا می‌کنند. در پی رسوایی‌های مالی مختلف، اعتماد سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به سیستم گزارشگری مالی تضعیف شده از آنجایی که ممکن است سود حسابداری توسط مدیریت دستکاری شود و متفاوت از سود واقعی باشد، بنابراین همیشه نمی‌تواند معیار خوبی برای تصمیم‌های استفاده‌کنندگان باشد از این رو لازم است استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی کیفیت سود را به عنوان یک عامل مهم و اصلی در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد سود گزارش شده در نظر گیرند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد کیفیت سود به عنوان معیاری برای اطمینان سرمایه‌گذاران در انجام سرمایه‌گذاری است [۲۹]. پژوهش‌های انجام گرفته نقش استانداردهای حسابداری در تبیین کیفیت سود را پررنگ‌تر از عوامل دیگر نشان می‌دهند [۱۵]. اما استانداردهای حسابداری به تنهایی نمی‌تواند ضامن کیفیت گزارش‌های مالی باشد. زیرا عوامل

1 Sarbanes- Oxley act
*mehdi_arabsalehi@ase.ui.ac.ir

ارزایی عملکرد مدیریت قرار می‌گیرد، منجر به تعلق حقوق و مزایای بیش از اندازه به مدیریت خواهد شد. به گونه‌ای مشابه، سودهای متورم ممکن است ورشکستگی ناگهانی شرکت را پنهان سازد که این خود باعث اعتبار دادن نادرست از سوی اعتبار دهندگان خواهد شد. فرانسویس (۲۰۰۳) بیان می‌کند از دیدگاه سرمایه‌گذاری، کیفیت سود پایین مطلوب نیست زیرا نشان دهنده وجود ریسک در تخصیص منابع به آن بخش می‌باشد انتظار می‌رود ویژگی کیفیت سود به اندازه‌ای که برآورد بازده مورد نظر سرمایه‌گذاران و ذینفعان را با ابهام مواجه سازد بر هزینه حقوق صاحبان سهام تاثیر منفی داشته باشد. با توجه به اینکه ریسک اطلاعات از دقت پایین در اطلاعات ارائه شده و یا ناتوانی اطلاعات در برآورد بازده مورد انتظار ناشی می‌شود زمانی که عموم مردم به فرایند گزارشگری مالی یا به اطلاعات مالی منتشر شده اطمینان نداشته باشند، از سرمایه‌گذاری منصرف می‌شوند و باعث کاهش رشد اقتصادی از طریق تخصیص نادرست سرمایه‌ها خواهد شد [۳].

مطابق با بیانیه شماره یک هیات استانداردهای حسابداری مالی سود با کیفیت بالا اطلاعات بیشتری درباره ویژگی‌های عملکرد مالی یک شرکت که در ارتباط با تصمیمات خاص، توسط تصمیم‌گیرنده خاص گرفته شده، فراهم می‌کند. سه ویژگی برای کیفیت سود در این تعریف نهفته است. اول، اصطلاح کیفیت سود به تنهایی بی‌معنی است. کیفیت سود تنها درچارچوب یک مدل تصمیم خاص تعریف شده است. دوم، کیفیت مبلغ سود گزارش شده به این موضوع بستگی دارد که آیا مبلغ سود حاوی اطلاعات مفیدی درباره عملکرد مالی شرکت، می‌باشد و سوم اینکه کیفیت سود در این تعریف به دو طریق (۱) از طریق ارتباط عملکرد مالی شرکت با تصمیم‌های اتخاذ شده و (۲) به واسطه توانایی سیستم حسابداری در اندازه‌گیری عملکرد؛ تبیین می‌شود.

دچو و دیچاو (۲۰۰۲) سود را براساس ارتباط اقلام تعهدی با جریان‌های نقدی عملیاتی دوره گذشته، حال و آینده تعریف می‌کنند. در این صورت، کیفیت سود ناشی از کیفیت اقلام تعهدی خواهد بود. هرچه اقلام تعهدی بیشتر از ویژگی تاثیر بر جریان نقد عملیاتی برخوردار باشند، دارای کیفیت بالاتری هستند [۲۳]. سودی با کیفیت است که به وجه نقد نزدیک تر باشد. در این مبنا اعتقاد بر این است که اقلام تعهدی کیفیت سود را کاهش می‌دهد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که اقلام تعهدی بیشتر به معنی کیفیت کمتر سود است [۲۵].

سوال مطرح این است که چگونه می‌توان سرمایه‌گذاران را از با کیفیت بودن سود مطمئن نمود، یکی از ساز و کارهای موثر در کنترل مدیریت فرصت طلبانه سود استفاده از حسابرِس است. اگر مدیران تمایل به رفع نگرانی‌های حسابرِس در خصوص رویه‌های حسابداری مشکوک و ارائه‌های نادرست نداشته باشند انتشار گزارش غیرمقبول توسط حسابرسانی که کیفیت بالاتری دارند بیشتر خواهد بود. در این حالت، کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت سود) محصول مشترک تلاش‌های مدیریت و حسابرِس تلقی خواهد شد [۳۴]. از آنجایی که در پژوهش‌های گارسیا-بلاندون و همکاران (۲۰۱۹) و کرایکائو و دیمیتراس (۲۰۱۸) مشخص شد که تصدی حسابرِس بر کیفیت حسابرِس تاثیر دارد [۲۵؛ ۲۹] و

برای حمایت از سرمایه‌گذاران وضع می‌شود یکی از ماده‌های این قانون موسسات حسابرِس را ملزم می‌کند که مدیران و شرکای حسابرِس خود را بعد از پنج سال کار متوالی برای یک صاحبکار تغییر دهند [۳۶]. الزام سازمان بورس و اوراق بهادار تهران نیز به تغییر حسابرِس بعد از چهار سال ناشی از همین نگرانی‌ها در خصوص استقلال و کیفیت حسابرِس است. بنابراین با مطالعه قوانین و مقررات صادره می‌توان دریافت که تصدی طولانی مدت حسابرِس می‌تواند کیفیت حسابرِس و کیفیت سود را تحت تاثیر قرار دهد. پژوهش‌های مختلف در خصوص نوع اثر گذاری تصدی حسابرِس بر کیفیت سود نتایج ضد و نقیضی به همراه داشته است. در خصوص نوع تاثیرگذاری تصدی حسابرِس بر کیفیت سود دو فرضیه رقیب حاکم است. فرضیه اول یعنی فرضیه تخصص معتقد است با افزایش تصدی حسابرِس کیفیت سود افزایش می‌یابد [۲۵؛ ۱۷؛ ۲۰؛ ۱۸؛ ۱۹]. فرضیه دوم یعنی فرضیه استقلال معتقد است که با افزایش تصدی حسابرِس کیفیت سود کاهش می‌یابد [۳۶؛ ۲۹؛ ۲۷؛ ۲۱]. بنابراین ضروری است با لحاظ کردن معیارهایی یکی از این دو دیدگاه را پذیرفت. یکی از معیارهایی که می‌تواند شدت تاثیر تصدی حسابرِس بر کیفیت سود را افزایش دهد عدم تقارن اطلاعاتی مدیر-حسابرِس است.

دو عامل اصلی در عدم تقارن اطلاعاتی مدیران-حسابرِس وجود دارد. اول منحصر به فرد بودن ویژگی‌های خاص صاحبکار (انحراف از ویژگی‌های صنعت) که نمی‌توان آنها را از طریق دانش عمومی یا تجربه در صنعت به دست آورد. دوم عدم تقارن اطلاعاتی مدیران-سرمایه‌گذاران. منطقی است که فرض کنیم حسابرِس نسبت به سرمایه‌گذاران متوسط، اطلاعات بیشتری در خصوص کسب و کار صاحبکار دارند اما هنوز کمتر از مدیران مطلع هستند. اگر عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران پایین باشد به طور متناسب عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرِس و مدیران نیز کم است. هنگامی که مدیران اطلاعات خصوصی قابل توجهی دارند، عدم تقارن اطلاعات حسابرِس-مدیر نیز بیشتر است و یادگیری حسابرِس در مورد کسب و کار به عنوان یک حامی ثالث برای سرمایه‌گذاران ارزشمند است [۳۰]. با توجه به تبیین عوامل موثر بر کیفیت سود هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت سود در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی است.

۲- مبانی نظری و مروری بر ادبیات موجود

ذینفعان به دنبال پیش‌بینی جریان‌های نقدی آتی، از طریق سودجاری هستند تا بتوانند بازده مورد انتظار خود را برآورد کنند. [۳۳]. به منظور افزایش توان پیش‌بینی جریان‌های نقد آتی باید سود گزارش شده با کیفیت باشد [۲۴]. بولو (۱۳۸۵) بیان می‌کند که سود گزارش شده و روابط بدست آمده از آن معمولاً در قراردادهای حقوق و پاداش و قراردادهای استقراض استفاده می‌شوند پس تصمیم‌گیری در خصوص قرارداد براساس کیفیت سود پایین، باعث انتقال ناخواسته ثروت خواهد شد [۳].

برای نمونه سودهای بیش از حد نشان داده شده که به عنوان معیار

اعمال قدرت از سوی حسابرسان منجر شود تا بدین وسیله دستکاری اقلام تعهدی توسط مدیریت کاهش یابد. در حالی که انتظار بر این است که با تصدی کوتاه مدت به دلیل عدم دانش خاص از صاحبکار، حسابرس به برآوردهای مدیریت بیشتر اتکا کند و در نتیجه کیفیت اقلام تعهدی کاهش یابد [۳۵].

دیدگاه دوم یعنی فرضیه استقلال حاکی از آن است که تصدی حسابرس کیفیت سود را کاهش می‌دهد [۳۶]. یک استدلال پدیده کم قیمت گذاری خدمات حسابرسی است که به موجب آن حسابرسان حق الزحمه های پایین تری مطالبه می‌نمایند تا صاحبکاران جدید را بدست آورده و حفظ نمایند و انتظار دارند که زیان‌های سال‌های ابتدایی اشتغال به حسابرسی را در آینده جبران نمایند [۲۲]. این مساله در نهایت منجر به حسابرسی های با کیفیت پایین تر و در نهایت کیفیت سود پایین تر می‌شود [۲۶].

زمانی که روابط حسابرس و صاحبکار طولانی می‌شود این دیدگاه در ذهن حسابرسان ایجاد می‌شود که آنها آشنایی کامل با وضعیت و موقعیت صاحبکار دارند در نتیجه نیاز به اصلاح و تغییر برنامه های حسابرسی و یا آزمون های حسابرسی بیشتر را در خود احساس نمی‌کنند. آنها برای برنامه ریزی حسابرسی، تعیین بودجه و فراهم کردن اطلاعات لازم برای حسابرسی سال جاری از کاربرگ های سال قبل استفاده می‌کنند و به جای اینکه در هر لحظه گوش به زنگ و هوشیار باشند تنها به پیش بینی نتایج می‌پردازند و از اجرای یک حسابرسی با کیفیت بالا دور می‌مانند [۳۰].

زمانی که تعویض ادواری حسابرس الزامی باشد، حسابرس، صاحبکار و سایر افراد ذینفع می‌دانند که تعویض حسابرس در موعد مقرر انجام خواهد شد و هرگونه انحراف از زمانبندی تعویض ادواری با واکنش منفی یکی از طرف های ذینفع روبرو خواهد شد. بنابراین بخش بزرگی از فشارهای وارده بر حسابرسان در طی مذاکره از بین خواهد رفت و آن موسسه ممکن است برخی از اشتباهات و تخلفات سالهای قبل را کشف و گزارش کند، باعث خواهد شد تا حسابرس برای حفظ اعتبار و وجهه حرفه ای خود تمایل بیشتری به کشف و گزارش اشتباهات و تخلفات داشته باشد. بالاخره دلیل آخر اینکه، این امکان وجود دارد که دوره تصدی طولانی باعث ایجاد یک سری روابط عاطفی شود تا حدی که احساس وفاداری در حسابرسان ایجاد کرده یا به دلیل وابستگی های اقتصادی انگیزه بیشتری برای حفظ صاحبکار و پذیرش دیدگاه ها و خواسته های وی خواهند داشت که این امر استقلال آنها را مخدوش می‌کند [۲۲].

در شرایط بازار سرمایه ناقص، عدم تقارن اطلاعات و وجود مزیت اطلاعاتی برای مدیران ممکن است منجر به انجام رفتارهای فرصت طلبانه از سوی مدیران شده و آنها را به اعمالی از قبیل دستکاری و مدیریت سود وا دارد [۱۰]. به عبارت بهتر عاملی که می‌تواند رابطه دوره تصدی حسابرس با کیفیت سود را تحت تاثیر قرار می‌دهد مفهوم عدم تقارن اطلاعاتی بر گرفته از تئوری نمایندگی است. دو عامل اصلی در عدم تقارن اطلاعاتی مدیران-حسابرس وجود دارد. اول منحصر به فرد

همان طور که ارتباط کیفیت حسابرسی با کیفیت سود بیان گردید لذا انتظار می‌رود که دوره تصدی حسابرس کیفیت سود را نیز تحت تاثیر قرار دهد. در خصوص نوع تاثیرگذاری تصدی حسابرس بر کیفیت سود دو فرضیه رقیب حاکم است. فرضیه اول یعنی فرضیه تخصص معتقد است با افزایش تصدی حسابرس کیفیت سود افزایش می‌یابد [۲۵]. فرضیه دوم یعنی فرضیه استقلال معتقد است که با افزایش تصدی حسابرس کیفیت سود کاهش می‌یابد [۳۶].

یافته‌های بالا سازگار با فرضیه یادگیری در روانشناسی است. روابط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار منجر به شناخت عمیق تر حسابرس از فعالیت ها و ساختار کنترل‌های داخلی صاحبکار شده و اثربخشی بیشتر فرآیند حسابرسی را در پی خواهد داشت [۲۰]. در این صورت می‌توان استنتاج کرد که یک منحنی یادگیری یا بهبود دانش در گذر زمان در رابطه با وضعیت صاحبکار در مورد حسابرس وجود خواهد داشت [۳۱]. چن و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهش‌های انجام گرفته این بحث را مورد تاکید قرار دادند که امکان شکست گزارش حسابرس در سال‌های اولیه بیشتر است. در خصوص این دیدگاه، اولاً حسابرسان دارای دوره تصدی کوتاه، فاقد دانش خاص صاحبکار که برای هدایت یک حسابرسی با کیفیت بالا لازم است می‌باشند. به علاوه حرفه حسابداری ادعا می‌کند که دوره تصدی کوتاه ممکن است ریسک بالاتر برای شکست حسابرسی به دنبال داشته باشد چرا که حسابرسان دارای تجربه کم با دانش غیرکافی از فعالیت صاحبکار مجبور خواهند شد که بیشتر روی برآوردها و ارائه های انجام شده توسط شرکت صاحبکار اتکا نمایند [۱۹]. بنابراین دوره تصدی بالاتر می‌تواند مدیریت را در انجام مدیریت سود، دچار محدودیت کند.

دی آنجلو (۱۹۸۱) بیان می‌کند حسابرسان در سال های اولیه به دلیل عدم آگاهی از تداوم یا عدم تداوم کار خود در شرکت صاحبکار، معمولاً در کار حسابرسی کم کاری می‌کنند. استدلال این است که حسابرسان در سال های اولیه ارتباط با صاحبکار به دلیل عدم امنیت شغلی سعی می‌کنند که هزینه های چندانی برای کار حسابرسی و یا حفظ صاحبکار نکنند و با این کار سعی می‌کنند سود کار خود را بالا ببرند در صورتی که کیفیت کار حسابرسی کاهش می‌یابد و به تبع آن کیفیت سود هم کاهش می‌یابد [۲۲]. دلیل سوم بر اساس پژوهش آراندا و پارارس (۲۰۰۴) ارایه می‌شود که بیان می‌کند شرکت های با کیفیت سود بالا به احتمال زیاد حسابرسان فعلی خود که کیفیت بالایی دارند را حفظ می‌کنند و یا به عبارت دیگر حسابرسان با کیفیت بالا به احتمال زیاد صاحبکاران با سود کم کیفیت را رد می‌کنند و کار با آنها را قبول نمی‌کنند [۱۳]. قوانین چرخش اجباری حسابرس می‌تواند با گذر زمان سهم بازار موسسات حسابرسی را برابر کند و باعث کاهش انگیزه این موسسه ها برای رقابت شده و با ایجاد موانع بر سر راه رقابت بین موسسه های حسابرسی، به طور غیرمستقیم باعث کاهش کارایی حسابرسی می‌شود [۳۶]. مایرز و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند که با طولانی شدن همکاری حسابرس و صاحبکار، پراکندگی در توزیع اقلام تعهدی اختیاری کاهش می‌یابد به عبارت دیگر، رابطه طولانی مدت می‌تواند به

بودن ویژگی‌های خاص صاحبکار (انحراف از ویژگی‌های صنعت) که نمی‌توان آنها را از طریق دانش عمومی یا تجربه در صنعت به دست آورد. دوم عدم تقارن اطلاعاتی مدیران-سرمایه‌گذاران. منطقی است که فرض کنیم حسابرسان نسبت به سرمایه‌گذاران متوسط، اطلاعات بیشتری در خصوص کسب و کار صاحبکار دارند اما هنوز کمتر از مدیران مطلع هستند. اگر عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران پایین باشد به طور متناسب عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرسان و مدیران نیز کم است. هنگامی که مدیران اطلاعات خصوصی قابل توجهی دارند، عدم تقارن اطلاعات حسابرِس-مدیر نیز بیشتر است و یادگیری حسابرِس در مورد کسب و کار به عنوان یک حامی ثالث برای سرمایه‌گذاران ارزشمند است [۳۰].

شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعات بالا احتمالاً اشخاصی هستند که نیاز به اطلاعات منحصر به فرد برای حسابرِس را بیشتر می‌کنند و حسابرِس نمی‌تواند این اطلاعات را از طریق تجربه یا صنعت به دست آورد. برای مثال، قراردادهای ضمنی بین شرکت و تامین‌کنندگان آن، مشتریان، کارکنان و سایر سهامدارانی که در صنایع رایج نیست وجود دارد. به طور مشابه، فرایندها و معاملات انجام شده در داخل شرکت می‌تواند متفاوت از آنچه معمولاً در صنعت اتفاق می‌افتد باشد. مناسب‌ترین سیاست‌های حسابداری و برآوردهای قابل اجرا برای چنین صاحبکاری احتمالاً متفاوت از آنهایی است که برای سایر بنگاه‌های صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نتیجه حسابرِس جدید، حتی با دانش صنعت، برای تنظیم دقیق حسابرِس با صاحبکار با دشواری روبرو شود [۱۲].

مدیریت صاحبکار ممکن است از این قضیه به عنوان یک فرصت استفاده کند تا اقدام تعهدی را بر اساس نفع شخصی خود مدیریت کند. به موازاتی که حسابرِس دانش بیشتری از این تیزبینی مدیر طی دوره تصدی به دست می‌آورد ارزیابی وی در مورد روش‌های حسابداری و اقدام تعهدی بهتر شده و در نتیجه احتمال خطاهای بلقوه و برآورد‌های گمراه‌کننده گزارشات حسابرِس نشده را کشف کند، افزایش می‌یابد [۲۶]. بنابراین، منافع که توسط حسابرِس به خاطر تصدی بلند مدت در خصوص دانش خاص صاحبکار به دست می‌آید در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر بیشتر از شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی کمتر خواهد بود. به عبارت بهتر می‌توان نتیجه گرفت که مدیران در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر است تمایل به تصدی کوتاه مدت حسابرِس دارند [۳۹]. عموماً در شرکت‌هایی عدم تقارن اطلاعاتی حسابرِس و مدیر افزایش می‌یابد که ابهام بیشتر و افشای کمتری نسبت به شرکت‌هایی که شفاف هستند رخ می‌دهد [۳۵]. چنین شرکت‌هایی معمولاً درگیر عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری بین مدیران و سرمایه‌گذاران نیز هستند که منجر به اختلال در عرضه اطلاعات به بازار و افزایش نوسانات قیمت سهام می‌گردد [۱۶].

به اطلاعات منحصر به فرد برای حسابرِس را بیشتر می‌کنند و حسابرِس نمی‌تواند این اطلاعات را از طریق تجربه یا صنعت به دست آورد. برای مثال، قراردادهای ضمنی بین شرکت و تامین‌کنندگان آن، مشتریان، کارکنان و سایر سهامدارانی که در صنایع رایج نیست وجود دارد. به طور مشابه، فرایندها و معاملات انجام شده در داخل شرکت می‌تواند متفاوت از آنچه معمولاً در صنعت اتفاق می‌افتد باشد. مناسب‌ترین سیاست‌های حسابداری و برآوردهای قابل اجرا برای چنین صاحبکاری احتمالاً متفاوت از آنهایی است که برای سایر بنگاه‌های صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نتیجه حسابرِس جدید، حتی با دانش صنعت، برای تنظیم دقیق حسابرِس با صاحبکار با دشواری روبرو شود [۱۲].

مدیریت صاحبکار ممکن است از این قضیه به عنوان یک فرصت استفاده کند تا اقدام تعهدی را بر اساس نفع شخصی خود مدیریت کند. به موازاتی که حسابرِس دانش بیشتری از این تیزبینی مدیر طی دوره تصدی به دست می‌آورد ارزیابی وی در مورد روش‌های حسابداری و اقدام تعهدی بهتر شده و در نتیجه احتمال خطاهای بلقوه و برآورد‌های گمراه‌کننده گزارشات حسابرِس نشده را کشف کند، افزایش می‌یابد [۲۶]. بنابراین، منافع که توسط حسابرِس به خاطر تصدی بلند مدت در خصوص دانش خاص صاحبکار به دست می‌آید در شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر بیشتر از شرکت‌های با عدم تقارن اطلاعاتی کمتر خواهد بود. به عبارت بهتر می‌توان نتیجه گرفت که مدیران در شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر است تمایل به تصدی کوتاه مدت حسابرِس دارند [۳۹]. عموماً در شرکت‌هایی عدم تقارن اطلاعاتی حسابرِس و مدیر افزایش می‌یابد که ابهام بیشتر و افشای کمتری نسبت به شرکت‌هایی که شفاف هستند رخ می‌دهد [۳۵]. چنین شرکت‌هایی معمولاً درگیر عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری بین مدیران و سرمایه‌گذاران نیز هستند که منجر به اختلال در عرضه اطلاعات به بازار و افزایش نوسانات قیمت سهام می‌گردد [۱۶].

۳- پیشینه پژوهش

در این قسمت برخی پیشینه‌های مرتبط با موضوع پژوهش ارائه شده است:

۳-۱- پیشینه خارجی

واریسی (۲۰۱۳) به بررسی میزان تفاوت در عدم تقارن اطلاعاتی شرکت هایی که توسط موسسات بزرگ حسابرسی شده اند و سایر شرکت ها پرداخته است. نتایج و یافته های پژوهش نشان می دهد که بین عدم تقارن اطلاعاتی دو گروه شرکت ها اختلاف معناداری وجود دارد [۳۸].

باتاچاریا و همکاران (۲۰۱۲) به بررسی رابطه مستقیم و غیرمستقیم بین کیفیت سود و هزینه سرمایه پرداخته اند. آنها همچنین اثر عدم تقارن اطلاعات را بر این رابطه سنجیده اند. نتایج و یافته های آنها نشان می دهد که بین کیفیت سود و هزینه سرمایه رابطه معناداری وجود داشته و این رابطه تحت تاثیر عدم تقارن اطلاعاتی نیز است [۱۶].

لیو (۲۰۱۲) نشان می دهد که با افزایش دوره تصدی حسابرسی واکنش مثبت بازار به سود بیشتر شده و بازار به طور مثبت اجزای اختیاری سود شرکت های با دوره تصدی بلندمدت را ارزیابی می کند [۳۲].

۳-۲- پیشینه داخلی

تحریری و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که شرکت های با ارزش بالا سطح ارقام تعهدی اختیاری بیشتری ندارند و کیفیت حسابرسی نیز بر این رابطه تاثیرگذار نیست. آنها اینگونه نتیجه گرفتند که شرکت های پرارزش به وضعیت عملکرد آتی خود اطمینان داشته و در نتیجه تلاش نمی کنند تا با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری اقدام به مدیریت سود نمایند. همچنین حسابرسی با کیفیت بیشتر نیز اثر کاهشی معنی داری بر سطح مدیریت سود این شرکت ها ندارد [۴].

خداداده شاملو و بادآور نهنیدی (۱۳۹۶) نشان داد که تخصص حسابرسی در صنعت بر قابلیت مقایسه صورت های مالی در کل و در مرحله بلوغ، تاثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، دوره تصدی حسابرسی بر قابلیت مقایسه صورت های مالی در کل و در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت تأثیری ندارد [۶].

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که با افزایش تصدی حسابرسی، کیفیت سود کاهش می یابد [۵].

نوری فرد و شربتی (۱۳۹۴) نشان دادند که یک رابطه مثبت و معنادار بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت افشا وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش دوره تصدی حسابرسی، کیفیت افشای اطلاعات افزایش می یابد [۹].

علوی طبری و بذرافشان (۱۳۹۲) نشان دادند زمانی که حسابرسی متخصص نیست با افزایش دوره تصدی میزان ارقام تعهدی اختیاری افزایش و کیفیت سود کاهش می یابد. درحالیکه چنانچه حسابرسی متخصص باشد با افزایش دوره تصدی، کیفیت سود افزایش می یابد. این نتایج بیانگر این امر است که روابط طولانی مدت حسابرسی و صاحبکار در صورتیکه حسابرسی متخصص باشد نگران کننده نخواهد بود [۸].

۴- فرضیه های پژوهش

طبق مبانی نظری فرضیه های پژوهش به شرح زیر تدوین شدند:

فرضیه اول: تصدی حسابرسی بر کیفیت سود تاثیر دارد.

فرضیه دوم: در شرایط وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرسی و مدیر،

پیترسون و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند هنگامی که هزینه (منفعت) مدیر از گزارشگری متعصبانه افزایش (کاهش) می یابد، تعصب کاهش یابد و حسابرسان از طریق کاهش کیفیت حسابرسی واکنش نشان می دهند. از آنجایی که ارتباط بین کیفیت حسابرسی مورد انتظار با ضریب واکنش سود مثبت است تغییرات در انگیزه های مدیریتی برای گزارشگری متعصبانه منجر به همبستگی مثبت ضریب واکنش سود و تعصب در گزارشگری می شود. در این حالت تغییرات در هزینه های کیفیت حسابرسی منجر به یک رابطه منفی بین تعصب گزارشگری و ضریب واکنش سود می شود [۳۴].

پیترسون و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی تاثیر تصدی حسابرسی بر تمایل مدیران به انجام تقلب پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که ریسک حسابرسی (احتمال اینکه تقلب وجود داشته باشد و کشف نشود) برای تداوم حسابرسی کمتر از تعویض حسابرسی است. همچنین یافته های آنها نشان داد که انتظار می رود تقلب کشف نشده در حالت تداوم حسابرسی کمتر از تعویض حسابرسی است [۳۵].

سینگر و ژانگ (۲۰۱۸) نشان دادند که یک ارتباط منفی بین تصدی حسابرسی و کشف به موقع گزارش های گمراه کننده وجود دارد. در واقع تصدی بلندمدت حسابرسی بر کیفیت سود تاثیر منفی دارد [۳۶].

هواک و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان "کیفیت حسابرسی، مدیریت سود و هزینه سرمایه" به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود و هزینه سرمایه بر روی ۷۳۰۳ سال- شرکت هندی پرداختند. نتایج آنها نشان داد شرکت هایی که حسابرسی با کیفیت تری دارند، مدیریت سود و هزینه سرمایه کمتری دارند [۲۸].

لئونگ و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که تصدی حسابرسی منجر به افزایش کیفیت سود می شود. دیگر یافته های آنها حاکی از آن است که تصدی حسابرسی در شرکت هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاتری دارند در مقایسه با شرکت هایی که عدم تقارن اطلاعاتی پایین تری دارند بیشتر منجر به بهبود کیفیت سود می گردد [۳۰].

هوهنفلس (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان "تصدی حسابرسی و کیفیت سود" نشان داد که یک رابطه غیرخطی میان تصدی حسابرسی و کیفیت سود، وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که تصدی حسابرسی برای بیشتر از ۸ یا ۹ سال باعث کاهش کیفیت سود می یابد [۲۷].

آباد و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "اظهارنظر حسابرسی و عدم تقارن اطلاعات در بازار سرمایه" به بررسی رابطه بین محتوای گزارش حسابرسان و عدم تقارن اطلاعاتی بازار سرمایه اسپانیا پرداخته اند. نتایج و یافته های آنها نشان می دهد که شرکت های دارای گزارش حسابرسی غیرمقبول عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر در مقایسه با سایر شرکت ها دارند [۱۱].

اگیز و راهمینا (۲۰۱۴) نشان دادند که استقلال حسابرسی، تصدی حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تاثیر مثبتی بر کیفیت سود دارد و حدود ۲۱ درصد از تغییرات کیفیت حسابرسی توسط این سه متغیر توضیح داده می شود و بقیه تغییرات کیفیت حسابرسی ناشی از اندازه حسابرسی، تخصص حسابرسی در صنعت و ریسک حسابرسی است [۱۴].

تاثیر تصدی حسابرِس بر کیفیت سود تشدید می‌شود.

رگرسیون (۱) بر گرفته از پژوهش‌های [۳۰] و [۳۳] استفاده گردید:

$$AQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 tenure_{it} + \beta_2 CDM_{it} + \beta_3 tenure * CDM_{it} + \beta_4 SPECIALIST_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 CFO_{it} + \beta_7 age_{it} + \beta_8 INDGROWTH_{it} + \beta_9 ROA_{it} + \beta_{10} MTB_{it} + \beta_{11} Growth_{it} + \beta_{12} AQ_{it-1} + \epsilon$$

مدل (۱)

(AQ) کیفیت سود، (Tenure) دوره تصدی حسابرِس، (CDM): عدم تقارن اطلاعاتی حسابرِس-مدیر، (Specialist) تخصص حسابرِس در صنعت، (Size) اندازه شرکت، (CFO) جریان نقد عملیاتی، (age) تعداد سال‌های پذیرش در بورس، (Indgrowth) نرخ رشد صنعت، (ROA) نرخ بازده دارایی‌ها، (MTB) ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، (Growth) نرخ رشد شرکت، (AQ_{t-1}) کیفیت سود در دوره قبل.

۶- تبیین و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

۶-۱- متغیر وابسته:

متغیر وابسته در پژوهش حاضر کیفیت سود (AQ) است و برای اندازه‌گیری آن از مدل کیفیت اقلام تعهدی دچو و دیچاو (۲۰۰۲) بر اساس مدل (۲) به صورت مقطعی در هر سال استفاده شده است:

$$TCA_{it}/A_{(it-1)} = \beta_0 + \beta_1 cfo_{(it-1)}/A_{(it-1)} + \beta_2 cfo_{it}/A_{(it-1)} + \beta_3 cfo_{(it+1)}/A_{(it-1)} + \beta_4 \Delta REV_{it}/A_{(it-1)} + \beta_5 PPE_{it}/A_{(it-1)} + \epsilon$$

مدل (۲)

در مدل (۲):

TCA_{it}: اقلام تعهدی جاری شرکت *i* در سال *t* (برابر است با تغییر در دارایی‌های جاری غیر از وجه نقد منهای تغییر در بدهی‌های جاری غیر از اسنادپرداختنی و سایر بدهی‌های کوتاه مدت بهره‌دار)
A_(it-1): ارزش دفتری کل دارایی‌ها در ابتدای دوره
cfo: خالص جریان نقدی عملیاتی در سال قبل، سال جاری و سال بعد
ΔREV_{it}: تغییرات فروش شرکت *i* در سال *t*
PPE_{it}: ارزش دفتری اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (دارایی‌های ثابت مشهود) شرکت *i* در سال *t*
ε: خطای برآورد اقلام تعهدی

پس از مشخص نمودن باقیمانده مدل فوق، انحراف معیار باقیمانده‌ها طی سال‌های جاری تا چهار سال قبل محاسبه می‌گردد. انحراف معیار محاسبه شده بیانگر شاخص معکوس کیفیت اقلام تعهدی (کیفیت سود) هر شرکت در هر سال خواهد بود. هر قدر انحراف معیار باقیمانده‌ها بالاتر باشد، به نشانه اقلام تعهدی ضعیف‌تر و کیفیت سود پایین‌تر تعبیر می‌شود [۳۳].

۶-۲- متغیر مستقل:

دوره تصدی حسابرِس (tenure) است و عبارت است از تعداد سال‌هایی که یک موسسه حسابرِسی یک شرکت را حسابرِسی نموده است. مطابق با ماده ۱۰ دستور العمل مؤسسات حسابرِسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار، از سال ۱۳۹۰ مؤسسات حسابرِسی و شرکا یا مدیران

۵- روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع کاربردی است، چراکه نتایج آن مستقیماً می‌تواند توسط سرمایه‌گذاران و سایر گروه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس روش شناخت، از نوع توصیفی - همبستگی است زیرا از یک طرف وضع موجود را توصیف می‌کند و از طرف دیگر به دنبال کشف همبستگی بین متغیرهای پژوهش از طریق رگرسیون است. از بعد ماهیت داده‌ها، نوع پژوهش کمی است، افزون بر این، از بعد نوع استدلال، یک پژوهش استقرایی است؛ زیرا به دنبال نتیجه‌گیری کلی از یک جز (پژوهش حاضر) است. از نظر بعد زمانی نیز یک پژوهش گذشته‌نگر (پس‌رویدادی) است، زیرا متغیرهای پژوهش قبلاً وجود داشته یا رخ داده‌اند. از نظر بعد طول مدت زمان، یک پژوهش ترکیبی (مقطعی - سری زمانی) است. از لحاظ ماهیت پژوهش نیز اصیل (دست‌اول) است. در نهایت، بر اساس رویکرد انجام پژوهش، شبه تجربی است؛ چراکه امکان دست‌کاری متغیرها وجود ندارد.

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش نمونه‌گیری، روش حذف سیستماتیک است. بدین منظور، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ شده و آن دسته از شرکت‌هایی که این شرایط را نداشته‌اند از نمونه آماری حذف گردیده‌اند. شرایط مذکور به شرح زیر هستند:

- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت‌ها به پایان اسفند ختم شود.
- در دوره زمانی پژوهش حداقل هر سه ماه یکبار سهام آنها مبادله شده باشد.
- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذار، واسطه‌گری مالی و لیزینگ نباشند.
- در طی دوره مورد بررسی، تغییر سال مالی نداشته باشند.
- کلیه متغیرهای مورد نیاز پژوهش قابل دست‌یابی باشد.
- از سال ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۷ در بورس تهران حضور داشته باشند (برای محاسبه برخی متغیرها لازم است از اطلاعات سال ۱۳۸۴ به بعد استفاده شود).

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در مجموع ۱۰۳ شرکت انتخاب شدند. قلمرو زمانی پژوهش یک بازه زمانی ۱۰ ساله از سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ است.

در پژوهش حاضر، تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی با استفاده از نرم‌افزار Stata صورت گرفت. در بخش آمار توصیفی، با استفاده از شاخص‌های مرکزی، فراوانی و شاخص پراکندگی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. همچنین در بخش آمار استنباطی، برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره با ساختار داده‌های پانل استفاده شد. از آنجایی که متغیر وابسته با یک وقفه در معادله رگرسیون وارد شده است تخمین به روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) صورت می‌گیرد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل

حسابهای دریافتی تقسیم بر میانگین کل دارایی ها): محتمل ترین حسابهایی است که در معرض مدیریت سود قرار گرفته و بیشتر مدنظر حسابرس برای تأیید و اعتباربخشی می باشد.

ه) گرایش به زیان شرکت ها (شرکت هایی که بیشتر در معرض زیان هستند ریسک دعوی حقوقی بالاتری دارند که این امر ریسک حسابرسی را افزایش می دهد)

بنابراین متغیرهای مجازی را برای موارد زیر تعیین خواهد شد:

۱) اگر بتای شرکت در دو دهک بالا یا پایین صنعت باشد عدد یک و در غیر اینصورت صفر.

۲) اگر نسبت بدهی در دو دهک بالا یا پایین صنعت باشد عدد یک و در غیر اینصورت صفر.

۳) اگر نسبت موجودی به کل دارایی ها در دو دهک بالا یا پایین صنعت باشد عدد یک و در غیر اینصورت صفر.

۴) اگر نسبت موجودی حسابهای دریافتی به کل دارایی ها در دو دهک بالا یا پایین صنعت باشد عدد یک و در غیر اینصورت صفر.

۵) اگر نسبت سالهایی که در آن شرکت با زیان روبرو بود در دو دهک بالای صنعت باشد عدد یک و در غیر اینصورت صفر.

در نهایت یک شاخص ترکیبی با وزن برابر برای پنج شاخص فوق مشخص نمودیم. این شاخص نشان دهنده عدم تقارن بین مدیران و حسابرس بر اساس معیار فاصله از نرمال صنعت می باشد.

۶-۴- متغیرهای کنترلی:

تخصص حسابرس در صنعت (SPECIALIST): با پیروی از پژوهش [۲] از سهم بازار به عنوان شاخصی برای اندازه گیری تخصص در صنعت حسابرس استفاده شده است. زیرا اولویت صنعت را نسبت به سایر حسابرسان نشان می دهد. هرچه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص صنعت و تجربه حسابرس نسبت به سایر رقبای بیشتر است. داشتن سهم غالب بازار اشاره به این دارد که حسابرس توانسته خود را از سایر رقبا به لحاظ کیفیت متمایز کند. سهم بازار حسابرسان نیز به شرح زیر محاسبه می شود:

$$\left(\frac{1}{(IF)}\right) * (1.2) < \left(\frac{EA}{(EAT)}\right)$$

که در رابطه فوق مجموعه دارایی های تمام صاحبکاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص (EA) تقسیم بر مجموع دارایی های کل صاحبکاران در این صنعت (EAT)، می شود. موسساتی در این پژوهش به عنوان متخصص در صنعت در نظر گرفته می شوند که سهم بازار آنها (یعنی عبارت سمت راست معادله) بیش از عبارت یک بر روی تعداد شرکت های موجود در یک صنعت (IF) ضرب در ۱,۲ (یعنی عبارت سمت چپ معادله) باشد. این متغیر به عنوان یک متغیر مجازی در مدل وارد می شود چنانچه حسابرس در صنعت متخصص باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر.

در مدل (۱) سایر متغیرهای کنترلی پژوهش شامل:

اندازه شرکت (SIZE): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی های

مسئول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی فوق مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال متوالی، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت مذکور را بپذیرند). همچنین مطابق با تبصره ۲ ماده ۱۰ دستور العمل فوق پذیرش مجدد حسابرسی اشخاص مذکور پس از سپری شدن حداقل ۲ سال از پایان دوره ۴ ساله مزبور مجاز است. لازم به توضیح است که سازمان حسابرسی و موسسه مفید راهبر از این ماده مستثنی هستند. همچنین برخی موسسات حسابرسی در طول دوره پژوهش وجود داشته اند که بعد از یک وقفه دو ساله، مجدداً حسابرسی صاحبکار قبلی را پذیرفته اند. بنابراین دوره تصدی آنها با در نظر گرفتن تعداد سنوات در چهار سال قبل محاسبه شده است.

۶-۳- متغیر تعدیل گر:

عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرس و مدیر (CDM)^۱ است. به منظور اندازه گیری عدم تقارن اطلاعاتی مدیر-حسابرس از تفاوت ویژگی های عملیاتی و عملکرد شرکت با صنعت آن شرکت استفاده شد. این شاخص از طریق ترکیب معیارهای ریسک شرکت، سیاست های تامین مالی، سیاست های موجودی کالا، سیاست های اعتباری و عملکرد، میزان عدم تقارن اطلاعاتی مدیر-حسابرس (فاصله از نرمال صنعت) را اندازه گیری می کند [۳۰]. معیارها فوق به شرح زیر اندازه گیری می شوند:

الف) بتای شرکت برای مدیریت ریسک: ضریب بتا در دانش مالی شاخصی است از ریسک سیستماتیک یک دارایی مالی یا مجموعه ای از دارایی ها نسبت به ریسک بازار. ضریب بتا شیب معادله رگرسیون خطی بازده سهام شرکت i نسبت به بازده بازار می باشد که نشانگر نوسان قیمتی سهام، در مقایسه با بازار کلی فعال در آن می باشد.

$$r_i = \alpha + \beta r_m$$

که در آن r_i بازده ماهانه سهام شرکت i برای چهار سال قبل r_m و بازدهی بازار می باشد. جهت به دست آوردن بازده ماهانه از بازده های ماهانه گزارش شده در نرم افزار ره آورد استفاده گردید. ضریب بتا از تقسیم کواریانس بین بازده های ماهانه سهام و بازدهی بازار بر واریانس بازده بازار به دست می آید.

$$\beta = \frac{cov(r_i, r_m)}{var(r_m)}$$

ب) نسبت بدهی برای سیاست های تامین مالی (نسبت کل بدهی به کل دارایی): شرکت هایی که نسبت بدهی متفاوتی از میانگین صنعت دارند احتمالاً انگیزه های متفاوتی برای انتخاب اقلام تعهدی نسبت به سایر شرکت ها دارند.

ج) نسبت میانگین موجودی ها برای سیاست موجودی کالا (میانگین موجودی کالا تقسیم بر میانگین دارایی ها) : محتمل ترین حسابی است که در معرض مدیریت سود قرار گرفته و بیشتر مدنظر حسابرس برای تأیید و اعتباربخشی می باشد.

د) میانگین نسبت حسابهای دریافتی برای سیاست اعتباری (میانگین

1 Composite Distance measure.

شرکت در آخر دوره، ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام (MTB): تقسیم ارزش بازار سهام بر ارزش دفتری سهام، سن شرکت (Age): تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده است. جریان‌های نقدی عملیاتی (CFO): جریان‌های نقدی عملیاتی تقسیم بر میانگین کل دارایی‌ها، نرخ بازده دارایی‌ها (ROA): تقسیم سود خالص بر جمع کل دارایی‌ها، نرخ رشد شرکت (Growth): تفاوت فروش دوره جاری با فروش دوره قبل تقسیم بر فروش دوره قبل. نرخ رشد صنعت (Ind_growth): برابر است با مجموع فروش شرکت‌های موجود در صنعت در سال جاری تقسیم بر مجموع فروش شرکت‌های موجود در همان صنعت در سال قبل، کیفیت سود دوره قبل (AQ_{t-1}): جز پسماند مدل اقلام تعهدی دوره قبل.

جدول (۲): توزیع فراوانی متغیر مجازی تخصص حسابرِس

تخصص حسابرِس (SPECIALIST)		
شرح	فراوانی	درصد فراوانی
حسابرِس تخصص در صنعت ندارد	۳۲۲	۳۱/۲۶
حسابرِس تخصص در صنعت دارد	۷۰۸	۶۸/۷۴
کل	۱۰۳۰	۱۰۰

طبق جدول (۲) درصد فراوانی متغیر تخصص حسابرِس نشان می‌دهد که در حدود ۶۹٪ شرکت‌ها حسابرِس متخصص هستند. همانطور که قبلاً بیان شد نوع داده‌های پژوهش حاضر داده‌های ترکیبی است، در این نوع داده‌ها به منظور انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و تلفیقی از آزمون F لیمر و هاسمن استفاده شده است. خلاصه نتایج این آزمون‌ها به شرح نگاره (۳) ارائه شده است:

جدول (۳): نتایج آزمون

نوع آزمون	آماره	p-value	نتیجه آزمون
F لیمر	۳/۷۷	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی ثابت
هاسمن	۲۱/۴۴	۰/۰۴۲	داده‌های تابلویی ثابت

منبع: یافته‌های پژوهش

طبق جدول (۳) مقدار احتمال به دست آمده از آزمون F لیمر برای مدل برابر با ۰/۰۰۰ است، فرض صفر رد می‌شود و روش داده‌های تابلویی ثابت پذیرفته می‌شود. در نهایت با انجام آزمون هاسمن بین روش اثرات ثابت و تصادفی، روش اثرات ثابت انتخاب شد. جهت تشخیص ناهمسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده استفاده شد. سطح معنی داری این آزمون برابر با ۰/۰۰۰ است. بنابراین مدل پژوهش دارای مشکل ناهمسانی واریانس است. این مشکل با تخمین مدل به روش خطای استاندارد تصحیح شده پانل^۱ (PCSE) مرتفع گردید. جهت تشخیص خودهمبستگی سریالی از آزمون والدیج استفاده گردید. نتایج این آزمون نشان داد که سطح معنی داری برابر با ۰/۱۰ است. لذا مدل آزمون فرضیه‌ها دارای مشکل خودهمبستگی سریالی جملات خطا نمی‌باشد.

برای ارائه یک نمای کلی از خصوصیات مهم متغیرهای محاسبه شده، برخی از مفاهیم آمار توصیفی این متغیرها، شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینه و انحراف معیار در جدول (۱) ارائه شده است:

۷- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها با ترمیم نمودن آنها (ویزورایزینگ)

متغیر	مشاهدات	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
کیفیت سود	۱۰۳۰	۰/۱۱۴	۰/۳۳۲	۰/۰۳۹	۰/۰۵۳
دوره تصدی حسابرِس	۱۰۳۰	۳/۱۰	۸	۱	۱/۹۹
عدم تقارن اطلاعاتی حسابرِس-مدیر	۱۰۳۰	۳/۱۵	۵	۱	۱/۵۷
اندازه شرکت	۱۰۳۰	۱۳/۷۷	۱۶/۳۵	۱۱/۶۷	۱/۲۱
جریان‌های نقدی عملیاتی	۱۰۳۰	۰/۱۳۴	۱/۳۸۰	-۰/۰۴۶	۰/۱۱۵
سال‌های پذیرش در بورس	۱۰۳۰	۱۶/۱۶	۳۹	۵	۸/۶۰
رشد فروش صنعت	۱۰۳۰	۰/۱۷۰	۰/۶۲	-۰/۲۴۱	۰/۲۲۷
نرخ بازده دارایی‌ها	۱۰۳۰	۰/۱۰۴	۰/۳۲۳	-۰/۰۶۱	۰/۱۰۴
ارزش بازار به ارزش دفتری	۱۰۳۰	۱/۹۸	۳/۰۱	۰/۸۷۵	۰/۶۱۳
نرخ رشد شرکت	۱۰۳۰	۰/۲۱۱	۰/۷۹۸	-۰/۱۳۱	۰/۲۴۸
کیفیت سود دوره قبل	۱۰۳۰	۰/۱۰۵	۰/۳۷۴	۰/۰۰۸	۰/۰۶۲

مقدار میانگین دقیقاً در نقطه تعادل و مرکز ثقل داده‌ها قرار می‌گیرد. به عنوان مثال میانگین تصدی حسابرِس ۳/۱۰ است و بیانگر این است که به طور متوسط میانگین دوره تصدی حسابرِس در شرکت‌های نمونه حدود ۳/۱۰ سال است. کمینه متغیر سن شرکت ۵ سال است. همچنین بیشینه متغیر سن شرکت ۳۹ است. کمینه متغیر CDM برابر یک و بیشینه آن برابر با ۵ است و هرچقدر به سمت ۵ نزدیک می‌شود میزان عدم تقارن اطلاعاتی شرکت و حسابرِس افزایش می‌یابد. میانگین متغیر

1. panels corrected standard errors

جدول (۴): تخمین نهایی مدل آزمون فرضیه ها

متغیر وابسته: کیفیت سود				
ضریب تعیین	۰/۴۵	تعداد مشاهدات	۱۰۳۰	
والد	۷۴۶۱/۰۸	سطح معنی داری	۰/۰۰۰	
متغیر ها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معنی داری
tenure	-۰/۰۱۹	۰/۰۰۲	-۸/۴۳	۰/۰۰۰
CDM	۰/۰۲۸	۰/۰۲۵	۱/۱۵	۰/۲۵۰
Tenure*CDM	-۰/۰۳۶	۰/۰۰۷	-۴/۶۹	۰/۰۰۰
SPECIALIST	-۱/۰۰۹	۰/۵۴۸	-۲/۰۰	۰/۰۴۶
Size	-۰/۰۳۷	۰/۰۱۷	-۲/۱۹	۰/۰۲۹
CFO	۰/۵۱۱	۰/۱۷۸	۲/۸۶	۰/۸۸۴
age	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	-۱/۳۵	۰/۱۷۶
INDGROWTH	-۰/۰۸۰	۰/۰۹۸	-۰/۸۱	۰/۴۱۶
ROA	-۱/۵۱۰	۰/۱۹۵	-۷/۷۲	۰/۰۰۰
MTB	-۰/۰۹۰۰	۰/۰۴۱	-۲۱/۸۷	۰/۰۰۰
Growth	۰/۲۱۰	۰/۰۸۸	۲/۳۹	۰/۰۱۷
AQ _{t-1}	۱/۲۰۱	۰/۰۱۶	۷۲/۷۴	۰/۰۰۰
عرض از مبدا	۲/۵۹	۰/۲۵۶	۱۰/۱۱	۰/۰۰۰

منبع: یافته های پژوهش

مطابق با جدول (۴) نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش بیانگر این است که ضریب متغیر دوره تصدی حسابرِس (Tenure) معنی دار است. زیرا سطح معنی داری این متغیر برابر با ۰/۰۰۰ است و کمتر از ۵ درصد است. در نتیجه فرضیه اول پژوهش رد نمی گردد. با توجه به اینکه ضریب به دست آمده برای این متغیر منفی است می توان بیان نمود که با افزایش دوره تصدی حسابرِس، مقدار اقلام تعهدی کاهش و کیفیت سود افزایش می یابد. طبق جدول (۴) جهت آزمون فرضیه دوم پژوهش باید معنی داری ضریب تعامل دوره تصدی حسابرِس با عدم تقارن اطلاعاتی حسابرِس- مدیر (Tenure*CDM) بررسی گردد. ضریب این متغیر در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار است زیرا سطح معنی داری این متغیر برابر با ۰/۰۰۰ و کمتر از ۵٪ است. لذا فرضیه دوم پژوهش رد نمی گردد. از آنجایی که ضریب این متغیر نسبت به ضریب تصدی حسابرِس (tenure) منفی تر شده است پس عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر مثبت تصدی حسابرِس بر کیفیت سود را قوی تر می کند. به عبارت دیگر بهبود در کیفیت سود ناشی از تصدی حسابرِس برای شرکت هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرِس و مدیر بالاتر است، بیشتر است. ضریب تعیین به دست آمده برابر با ۴۵٪ است که نشان می دهد ۴۵٪ از تغییرات در متغیر کیفیت سود توسط متغیر های مستقل قابل توضیح است. همچنین ضریب متغیر های تخصص حسابرِس در صنعت، اندازه شرکت، ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، نرخ بازده دارایی و کیفیت اقلام تعهدی دوره قبل معنی دار است. مقدار سطح معنی داری به دست آمده برای آماره والد برابر با ۰/۰۰۰ است بنابراین اعتبار کل مدل تایید می گردد.

۸- نتیجه گیری

همان طوری که در مبانی نظری این پژوهش آمده است دو دیدگاه در خصوص دوره تصدی حسابرِس مطرح گردیده است، دیدگاه اول مربوط به فرضیه یادگیری و تخصص (دیدگاه افزایش کیفیت حسابرِس و کیفیت سود) و دیدگاه دوم مربوط به فرضیه استقلال حسابرِس (دیدگاه کاهش کیفیت حسابرِس و تخصص حسابرِس) می باشد، نتایج حاصل از فرضیه اول نشان داد که دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت سود تاثیر مثبت دارد. به بیان دیگر هر چه مدت همکاری حسابرِس و صاحبکار افزایش یابد، کیفیت سود افزایش می یابد که بیانگر تایید دیدگاه دوم یعنی فرضیه تخصص حسابرِس است. نتایج این فرضیه یا یافته های پژوهش های [۳۰؛ ۳۵؛ ۲۵؛ ۸] منطبق است. از آنجایی که طبق نتایج پژوهش اله یاری (۱۳۸۷) در بازار سرمایه ایران کارایی ضعیف است [۱]، با احتمال زیاد ناقربنگی اطلاعاتی میان افراد درون شرکت و بیرون از شرکت وجود دارد. در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی به دلیل نبود یک جریان هموار اطلاعاتی بین مدیر و حسابرِس، محیط اطلاعاتی شرکت برای حسابرِس ابهام بیشتری دارد حتی اگر حسابرِس متخصص در صنعت باشد. همانگونه که نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان داد با وارد کردن متغیر تعدیل گر عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر مثبت تصدی حسابرِس بر کیفیت سود تشدید گردید. به عبارت دیگر می توان گفت که بهبود در کیفیت سود ناشی از تصدی حسابرِس، برای شرکت هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاتری دارند، بیشتر است. حسابرِس در شرکت هایی با عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، اطلاعات کمتری در خصوص دانش خاص صاحبکار دارد و نمی تواند این اطلاعات را از طریق تجربه عمومی و تخصص در صنعت به دست آورد. هر چه شکاف اطلاعاتی میان حسابرِس و مدیر بیشتر باشد، به تصدی طولانی تر نیازی است تا به حسابرِس رسیدن به اطلاعات این چنینی کمک کند. اطلاع از دانش خاص صاحبکار در نتیجه تصدی حسابرِس، کیفیت سود را افزایش می دهد. بنابراین منفعت تصدی طولانی تر حسابرِس در شرکت های با عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، بیشتر است. نتایج فرضیه دوم با پژوهش [۳۰] منطبق است.

از آنجایی که نتایج پژوهش نشان داد مزایای کسب دانش منحصر به فرد صاحبکار در طول دوره تصدی حسابرِس در شرکت هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاتری دارند مهم تر از کاهش استقلال ناشی از تصدی حسابرِس است می تواند نگرانی سازمان بورس و اوراق بهادار در خصوص دستور العمل چرخش اجباری حسابرِس را بر طرف نماید و حتی پیشنهاد می نماید که دوره چرخش اجباری مؤسسات حسابرِس افزایش یابد تا باعث افزایش توأم کیفیت حسابرِس و همچنین کاهش هزینه های حسابرِس ناشی از چرخش حسابرِس گردد. از آنجایی که در اکثر شرکت ها عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد به سرمایه گذاران پیشنهاد می گردد هنگام قضاوت در خصوص سود های گزارش شده، به تعداد سال های همکاری موسسه حسابرِس با شرکت توجه داشته باشند. در نهایت به حسابرِس پیشنهاد می شود برآوردی از میزان شکاف اطلاعاتی بین خود با مدیران شرکت داشته باشند، تا در برنامه ریزی حسابرِس و کیفیت حسابرِس به آنها کمک کند.

and Auditor Characteristics on Auditor Performance. Accounting, Organ. Soc. 39, 495-510.

منابع و ماخذ

- [13] Arrunada, B., Paz-Ares, C. (2004), **Mandatory Rotation Of Company Auditors: A critical examination.** International Review of Law and Economics pp. 55-69.
- [14] Agoes, S., Rahmina L, Y, (2014). **Influence of auditor independence, audit tenure, and audit fee on audit quality of members of capital market accountant forum in Indonesia,** International Conference on Accounting Studies, 18-19 August 2014, Kuala Lumpur, Malaysia
- [15] Barth, M.E., Landsman, W. R., Lang, M., and C. Williams. (2012). **Are IFRS-Based and US GAAP-Based Accounting Amounts Comparable?** Journal of Accounting and Economics 54(1): 68-93.
- [16] Bhattacharya, N., Desai, H., Venkataraman, K., (2013). **Does earnings quality affect information asymmetry? Evidence from trading costs,** Contemp. Account. Res. 30, 482-516.
- [17] Cameran, M., Francis, J.R., Marra, A., Pettinicchio, A. (2015), **Are There Adverse Consequences of Mandatory Auditor Rotation? Evidence from the Italian experience,** Auditing: A Journal of Practice and Theory 34(2): 1-24.
- [18] Chi, W., Huang, H., Liao, Y., Xie, H., (2009), **Mandatory Audit Partner Rotation, Audit Quality, and Market Perception: Evidence from Taiwan.** Contemp. Account. Res. 26, 359-391.
- [19] Chen, C., Lin, C., Lin, Y.(2008). **Audit Partner Tenure, Audit Firm Tenure, and Discretionary Accruals: Does Long Auditor Tenure Impair Earnings Quality?,** Contemporary Accounting Research 25(2): 215-245.
- [20] DeFond, M., Zhang, J. (2014), **A Review of Archival Auditing Research.** Journal of Accounting and Economics 58(2): 275-326
- [21] Davis, R.L. Soo, B.S., Trompeter, G. M., (2009), **Auditor Tenure and Ability to Meet or beat Earning Forecasts,** Contemporary Accounting Research, No: 26, pp: 517- 548.
- [22] De Angelo, L.E., (1981), **Auditor Size and Audit Quality,** Journal of Accounting and Economics 3(3): 183-199.
- [23] Dechow, P.M., Dichev, I.D., (2002), **The Quality of Accruals and Earnings: The role of Accrual Estimation Errors.** Account. Rev. 77, 35-59.
- [24] Farinha, J., Mateus, C., Soares, N., (2018), **Cash Holdings and Earnings Quality: Evidence from the Main and Alternative UK Markets,** International Review of Financial Analysis, Volume 56, PP 238-252.
- [25] Garcia Blandon, J., Josep, M., Bosch, A., Ravenda, D., (2019). **Audit Firm Tenure and Audit Quality: A cross European study,** pp35-64, <https://doi.org/10.1111/jifm.12098>
- [26] Gul, F.A., Fung S.Y., Jaggi, B.L. (2009), **Earning Quality: Some Evidence on the Role of Auditor Tenure and Auditors,** industry expertise. Journal of Accounting and Economics, No 47, pp: 265- 280.
- [27] Hohenfels, D., (2016), **Auditor Tenure and Perceived Earnings Quality.** Int. J. Audit. 20, 224-238.
- [28] Houqe, M. N., Ahmed, K., Zijl, T.V., (2017), **Audit Quality, Earnings Management, and Cost of Equity Capital: Evidence from India,** International Journal of Auditing Volume 21, Issue 2 Pages 177-189
- [29] Kyriakou, M., Augustinos, I., Dimitras, I. (2018), **Impact of Auditor Tenure on Audit Quality: European Evidence.** Investment Management and Financial Innovations, 15 (1), 374-386. doi:10.21511/imfi.15(1).2018.31
- [30] Leung, S.C., Srimidhi, B., Xie, L. (2017), **Auditor Tenure, Information Asymmetry and Earnings Quality.** <https://ssrn.com/abstract=2941949>.
- [1] اله یاری، اکبر. (۱۳۸۷). بررسی شکل ضعیف کارایی بازار سرمایه در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۴ (۱): ۷۵-۱۰۸.
- [۲] اعتمادی، حسین؛ محمدی، امیر و مهدی ناظمی اردکانی(۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین تخصص در صنعت و کیفیت سود در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی، سال اول، شماره ۱ و ۲.
- [۳] بولو، قاسم(۱۳۸۵)، هزینه حقوق صاحبان سهام و ویژگیهای سود؛ پایان نامه دکتری حسابداری؛ دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۴] تحریری، آرش، رسولی، مریم و الهام ولی. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرِس و اقلام تعهدی اختیاری در شرکت های با ارزش بالا. تحقیقات حسابداری و حسابرِس، ۴۲(۱۱): ۱۵۸-۱۴۳.
- [۵] حساس یگانه، یحیی، محمودی، مهدی و رسول ذبیحی. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۳۷، صص ۶۶-۴۱.
- [۶] خداداده شاملو، ناصر؛ یونس بادآور نهندی(۱۳۹۶)، تأثیر تخصص حسابرِس در صنعت و دوره تصدی حسابرِس بر قابلیت مقایسه صورت های مالی با تأکید بر چرخه عمر شرکت، پژوهشهای حسابداری مالی ۲۹(۲): ۱۲۷-۱۰۵.
- [۷] صادقی، محسن؛ محسن دستگیر و هادی امیری. (۱۳۹۷). بررسی تمرکز سرمایه گذاران بر پایداری اقلام تعهدی و جریان های نقدی در سال های گزارش زیان. فصلنامه حسابداری مالی ۳۷(۱): ۱-۲۳.
- [۸] علوی طبری، سیدحسین و بذرافشان، آمنه(۱۳۹۲). کیفیت سود : شواهدی از نقش دوره تصدی حسابرِس و تخصص در صنعت، دانش حسابداری و حسابرِس مدیریت ۲(۷): ۱۰۱-۹۱.
- [۹] نوری فرد، یداله و فاطمه زهرا شربتئی. (۱۳۹۴). تاثیر دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت افشای اطلاعات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه اقتصاد کسب و کار، شماره ۱۲ صص ۵۸-۴۹.
- [۱۰] نصیرزاده، فرزانه؛ محمدرضا عباس زاده و محمد حسین ذوالفقار آرانی (۱۳۹۶). بررسی تأثیر خوشبینی مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر روی ریسک سقوط قیمت سهام. فصلنامه حسابداری مالی ۴۹(۴): ۷۰-۳۵.
- [11] Abad, D., Ballesta, J.P., yague, J. (2016), **Audit Opinions and Information Asymmetry.** Accounting and Finance:1-31.
- [12] Alissa, W., Capkun, V., Jeanjean, T., Suca, N., (2014). **An Empirical Investigation of the Impact of Audit**

- [31] Lim, C.Y., Tan, H.T., (2008), **Non-audit Service Fees and Audit Quality: The Impact of Auditor Specialization**. J. Account. Res. 46, 199-246. Lim, C.Y., Tan, H.T., (2008) Non-audit Service Fees and Audit Quality: The Impact of Auditor Specialization. J. Account. Res. 46, 199-246.
- [32] Liu, W., (2012). **Audit Tenure, and Informativeness of Earnings: New Zealand Evidence**, A dissertation for the degree of Master of Business in Auckland University of Technology
- [33] Peterson, K., Schmardebeck, R., Wilks, T.J. (2015). **The Earning Quality and Information Processing Effects of Accounting Consistency**. The Accounting Review 90(6):2483-2514.
- [34] Patterson, E. R., Smith, J.R., Tiras, S.L. (2019). **The Interrelation between Audit Quality and Managerial Reporting Choices and Its Effects on Financial Reporting Quality**, Contemporary Accounting Research, <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12487>.
- [35] Patterson, E. R., Smith, J.R., Tiras, S.L. (2019), **The Effects of Auditor Tenure on Fraud and Its Detection**. The Accounting Review In-Press. <https://doi.org/10.2308/accr-52370>
- [36] Singer, Z., Zhang, J., (2018), **Auditor Tenure and the Timeliness of Misstatement Discovery**. The Accounting Review: March 2018, Vol. 93, No. 2, pp. 315-338.
- [37] Swanson, Z., Srinidhi, B.N., Seetharaman, A., (2003), **the Capital Structure Paradigm: Evolution of Debt/Equity Choices**. Greenwood Publishing Group.
- [38] Varici, I. (2013), **the Relationship between Information Asymmetry and the Quality of Audit: An Empirical Study in Istanbul Stock Exchange**, International Business Research. 6 (10): 132-140.
- [39] Williams, L.T., Wilder, W.M., (2016), **Audit Firm Perspective on Audit Firm Rotation and Enhancing Independence: Evidence from PCAOB Comment Letters**. Curry, Issues Audit